

حج بستر تحول فرهنگی جوامع اسلامی

مجتبی حیدری^۱

چکیده

حج در میان عبادات خداوند از جایگاه والایی برخوردار است و قرآن کریم و روایات بر بعد عبادی حج تأکید ویژه دارند. با این حال کارکرد حج، فقط در این بعد خلاصه نمی‌شود. حج با ویژگی‌های خاص خود می‌تواند کارکردهای بسیاری برای مسلمانان و جامعه اسلامی در پی داشته باشد و هدف از حج نیز آن است که مسلمانان به این منافع ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ هُمْ﴾ دست یابند و نقش آن در تقویت تحول فرهنگی جهان اسلام از جایگاه والایی برخوردار باشند.

هر فرهنگی در جهان، خود را از طریق فرایند بی‌پایان دادوستد شکل داده است؛ چراکه فرهنگ، هویت پویا و پایداری است که دائماً در حال بسط و گسترش است.. برای اساس حج می‌تواند به طور مستمر بستر و زمینه تحول فرهنگی جامعه اسلامی را فراهم کند. حج می‌تواند:

۱. در تحول معنوی و دینی جوامع اسلامی نقش ایفا کند؛
۲. زمینه ساز تقویت آموزه‌ها و ارزش‌های اجتماعی اسلام در جامعه شود؛
۳. ارتباط و تعامل اجتماعی مسلمانان با یکدیگر را اصلاح و تقویت کند؛

۱. دکتری روان‌شناسی و عضو گروه اخلاق و اسرار پژوهشکده حج و زیارت. m.heidari@gmail.com

۴. انحرافات فکری و عقیدتی در جامعه اسلامی را اصلاح کند و موجب نزدیک تر شدن دیدگاه‌های آنان به یکدیگر شود؛

۵. از کجروی‌ها در جامعه پیشگیری کند؛

۶. خودباوری فرهنگی مسلمانان را تقویت کند؛

۷. موجب تقویت اعتماد اجتماعی مسلمانان شود.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ مسلمانان، تحول فرهنگی، حج بستر تحول فرهنگی

مقدمه

بر همگان لازم است در صورت وجود شرایط و استطاعت، لا اقل یک بار در طول عمر حج به جا آورند:

﴿وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا﴾ (آل عمران: ۹۷)؛

و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه [او] کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند.

از این روست که می‌بینیم همه ساله میلیون‌ها نفر از مسلمانان سراسر جهان با شوق و اشتیاق تمام به قصد انجام مناسک حج و عمره، به این سرزمین مقدس سفر می‌کنند. زائران خانه خدا یک سری اعمال عبادی را (احرام، طواف، نماز طواف، سعی و...) انجام می‌دهند که به وضوح بر جنبه عبادی آن حکایت می‌کند.

کارکرد حج، فقط در بعد عبادی آن خلاصه نمی‌شود. حج با ویژگی‌های خاص خود، کارکردهای بسیاری برای مسلمانان و جامعه اسلامی در پی دارد و هدف از حج نیز آن است که مسلمانان به این منافع دست یابند؛ به فرموده قرآن کریم:

﴿وَ اٰذَن فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلٰى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِيْنَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ، لِّيَشْهَدُوْا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾. (حج: ۲۷-۲۸)

و مردم را دعوت عمومی به حج کن تا پیاده و سواره بر مرکب‌های لاغراز همراه

دوری به سوی توبیایند، تا شاهد منافع گوناگون خویش [در این برنامه حیاتبخش] باشند.

طبق روایات معصومین علیهم السلام نیز منافع و فواید حج، صرفاً در آثار و منافع عبادی یا ثواب اخروی آن خلاصه نمی شود، بلکه بسیاری از منافع دیگر را نیز شامل می شود. (رک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۲۲) حج می تواند از جنبه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... برای مسلمانان و جوامع اسلامی فواید بسیاری داشته باشد. حج در تقویت تحول فرهنگی جهان اسلام جایگاه والایی دارد. در حج، مسلمانان از سراسر جهان حضور می یابند و این امر، بستر و زمینه ای آماده برای تحول و تکامل فرهنگی جهان اسلام فراهم می کند.

مفهوم شناسی

در اینجا لازم است به تعریف برخی مفاهیم مطرح در این نوشتار و برخی توضیحات لازم درباره آنها بپردازیم.

۱. مفهوم فرهنگ

واژه «فرهنگ» در لغت به معنای ادب، تربیت علم و دانش و مجموعه آداب و رسوم آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ج ۱۰، ص ۱۵۱۰۹) این واژه در علوم انسانی و اجتماعی بسیار به کار می رود و تعاریف بسیاری برای آن ارائه شده است. آنتونی گیدنز فرهنگ را این گونه تعریف می کند:

مجموعه ارزش ها، باورها، اعتقادات، هنجارها، آفرینش های ادبی، هنری، فلسفی، علمی، دانش ها و کلیه دستاوردهای مادی و معنوی را که از زندگی جمعی انسان ها به وجود آمده اند، فرهنگ گویند. (گیدنز، ۱۳۷۷ش، ص ۳۶)

شاید یکی از تعریف های مناسب و جامع فرهنگ، تعریف زیر باشد:

فرهنگ مجموعه به هم تافته و پیچیده ای از ایده ها، باورها، آرمان ها، ارزش ها،

هنجارها، نهادها، نمادها و سایر آموخته‌ها و عاداتی است که حاصل و دستاورد نسل‌های مختلف مردم جهان و منطقه یا یک امت یا دولت و کشور می‌باشد...» (علی احمدی و دیگران، ۱۳۸۳ش، ص ۷۴)

فرهنگ‌ها با همه تنوع و تعدد، از ویژگی‌های مشترکی برخوردارند که برخی از آنها عبارتند از:

الف) هویت دهنده بودن: فرهنگ و موارث تاریخی، رکن اصلی شخصیت و هویت انسانی یک ملت است.

ب) فرامرز و سیال بودن: فرهنگ ذاتاً تبادل، انتقال، ترکیب و ارتباط را می‌طلبد و خواهان پیوند، رشد و تماس است.

ج) ایجابی و اثباتی بودن: فرهنگ در ذات خود، بیش از آن که سلبی و ناهی باشد، اثباتی است. فرهنگ انسان را یاری می‌کند تا به‌تربییند، بخواند، بخواهد و گزینش کند.

د) مراتب و وجوه مختلف داشتن: فرهنگ، مراتبی دارد و موارد استعمال آن می‌تواند متعدد باشد. بنابراین تغییرات فرهنگی ای مانند نوجویی، نوآوری، پذیرش اجتماعی، تلفیق، انطباق و حتی طرح و انتخاب (که متأثر از کارکردهای مختلف فرهنگ، از جمله تبادل و تعامل فرهنگی به شمار می‌رود) از سرشت و خصوصیات فرهنگ نشئت می‌گیرد؛ پس فرایند فرهنگ‌سازی، در چارچوب فرهنگ و خصوصیات ذاتی آن، فرایند پیچیده و غامضی است که به بینش و تشریح جامع نیاز دارد. (عیوضی، ۱۳۷۹ش، ص ۱۰۵)

هر فرهنگی در جهان از طریق فرایند بی‌پایان دادوستد شکل گرفته است؛ چراکه فرهنگ، هویت پویا و پایداری است که دائماً در حال بسط و گسترش است. (سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد (یونسکو)، ۱۳۷۹ش، ص ۲۴۹)

ویژگی‌های فرهنگی بر خصوصیات رفتاری افراد جامعه تأثیر قطعی دارند. در هر جامعه و در بستر فرهنگی آن هنجارها، ضوابط و ارزش‌هایی وجود دارند که افراد هر

جامعه عمدتاً در قالب آنها عمل و رفتار می‌کنند. (گلابی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۴۲) فرهنگ و جامعه دو عنصر جدایی‌ناپذیر به حساب می‌آیند. هر جامعه‌ای فرهنگ خاص خود را دارد و هر فرهنگی نیز متعلق به جامعه خاص است. (گیدنز، ۱۳۷۷ش، ص ۳۶)

۲. مفهوم تحول فرهنگی

به تغییراتی که مربوط به لایه‌های عمیق «جهان اجتماعی» است و جهان اجتماعی را به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌کند و موجب تحول هویت جهان اجتماعی می‌شود، تحول فرهنگی می‌گویند. (دفتر تألیف کتاب‌های درسی، ۱۴۰۰ش، ص ۹۰) در این تعریف «جهان اجتماعی» (social world) اصطلاحی است که به آن تجربه‌های ذهنی که در روابط اجتماعی و کنش‌های انسانی تقویم و ایجاد می‌شود، اطلاق می‌گردد. جهان اجتماعی ابتدا در دنیای ذهن شکل می‌گیرد و در خارج منجر به شکل‌گیری کنش‌ها و رفتارهای خاصی می‌شود. (بیاری، ۱۳۹۷ش، ص ۶۵)

مباحث

تغییر و تحول یک فرهنگ، نشانه زنده بودن آن است. فرهنگ بسته و راکد اجازه تغییر و تحول را به خود نمی‌دهد و البته پیشرفتی هم ندارد. فرهنگ باید ظرفیت و قابلیت تغییر و تحول را داشته باشد. فرهنگ‌های پیشرو و سازنده از ویژگی تحول‌آفرینی و تغییردهندگی برخوردارند. (میرزا محمدی، ۱۴۰۰ش، ص ۳۴)

«تحولات فرهنگی» به طور کلی به دو دسته «مثبت» و «منفی» تقسیم می‌شوند. اگر تحول فرهنگی به سوی ارتقای سطح فرهنگی و حرکت در مسیر فرهنگ حق باشد، تحول فرهنگی مثبت رخ می‌دهد و اگر فرهنگ به سوی انحطاط و سقوط حرکت کند، تحول فرهنگی منفی تحقق می‌یابد.

تحولات فرهنگی بسته به درونی یا بیرونی بودن آنها عوامل مختلفی دارند. تحولات فرهنگی درونی در اثر یکی از دو عامل زیر ایجاد می‌شوند:

۱. نوآوری‌ها و ابداعات‌های مثبت و منفی افراد جهان اجتماعی؛

۲. کاستی ها و بن بست های موجود در هویت فرهنگی جهان اجتماعی.

اما تحولات فرهنگی بیرونی در اثر تأثیرپذیری یک فرهنگ از فرهنگ های دیگر رخ می دهند.

اگرچه تغییر و تحول یکی از ویژگی های فرهنگ است، اما در کنار این ویژگی، ثبات و پایداری نیز می تواند از ویژگی های فرهنگ باشد. اما آیا این دو در کنار هم به تناقض نمی انجامد و جمعشان امکان پذیر است؟ پاسخ مثبت است. تغییر و تحول در رویه و پوسته فرهنگ صورت می گیرد و هسته و بنیاد فرهنگ ثابت می ماند. اگر فرهنگی از بنیاد تغییر کند، از میان می رود و در حقیقت، فرهنگ دیگری به وجود می آید. بنابراین فرهنگ قدرتمند و پویا فرهنگی است که بتواند اصالت و هویت خود را حفظ کند، ضمن اینکه با تغییرات و تحولات نیز هماهنگ شود و خود را به روز نگه دارد. (میرزا محمدی، ۱۴۰۰ش، ص ۳۵)

نقش حج در تحول فرهنگی جامعه اسلامی

پس از بیان مقدمه و توضیح مفاهیم به اصل بحث می پردازیم و نقش حج را به عنوان بستروزمینه ساز تحول فرهنگی جامعه اسلامی بررسی می کنیم.

۱. حج، عامل تحول معنوی و دینی جوامع اسلامی

معنویت در مقابل جسمانیت یا مادیت قرار دارد و تحول معنوی عبارت از تحولی است که در بعد روحی و غیرمادی انسان در ارتباط با وجودی ماورای ماده رخ می دهد. (نارویی نصرتی، ۱۳۹۰ش، ص ۲۵۵) بدین ترتیب معنای تحول معنوی به تحول دینی نزدیک می شود. در تعریف گیدنز (۱۳۷۷ش، ص ۳۶) از فرهنگ دیدیم که معنویت، دینداری و رفتارهای دینی از مهم ترین مؤلفه های فرهنگ به شمار می رود. با این حال دین و معنویت بسترتحول فرهنگی جوامع نیز است. دین و باورهای دینی، جامعه را به سوی ارتقای فرهنگی و تمدنی سوق می دهند. هر قدر دین و معنویت در جامعه ای از غنا و عمومیت بیشتری برخوردار باشد، امکان تحول و پیشرفت فرهنگی آن نیز بیشتر فراهم

است. براین اساس عوامل و ابزارهایی که در گسترش معنویت و دینداری در سطح جامعه نقش دارند، زمینه ساز تحول فرهنگی جامعه نیز هستند. در دین اسلام حج نقش غیرقابل انکاری در این زمینه ایفا می‌کند.

حج عبادتی است که به صورت جمعی انجام می‌گیرد و مشخص است که در گسترش دین و معنویت در جامعه نقش دارد. حضور در سرزمین وحی و انجام عمل حج با همه مناسک بزرگ آن - همچون احرام، طواف، نماز طواف، سعی، وقوف، قربانی و رمی جمرات - افراد حاضر در آن مکان مقدس را برای مدتی از مادیات و خواهش‌های دنیوی دور می‌کند و به خدای متعال متصل می‌سازد. در آن فضای سراسرنور و معنویت، افراد از طریق تلاوت قرآن، دعا و راز و نیاز با خدا ارتباط خود را با او تقویت می‌کنند و به او تقرب می‌جویند.

حج در واقع تمرین دینداری، ارتباط با خدای متعال و نزدیک شدن به اوست. زائران می‌آموزند که پس از بازگشت از سفر معنوی حج در طول زندگی خود نیز راز و نیاز با خدا و ارتباط با او را وجهه همت خود قرار دهند و مانع از دور شدن خود از خدا شوند.

منابع دینی نیز بر نقش حج در تقویت دینداری و معنویت در جامعه دلالت می‌کنند؛ مثلاً رسول خدا ﷺ فرمود:

إِنَّمَا جُعِلَ الطَّوْفُ بِالْبَيْتِ وَبَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، وَرَمَى الْجِمَارِ، لِإِقَامَةِ ذِكْرِ اللَّهِ. (ابوداود سجستانی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۸۱۲)

همانا طواف به دور خانه خدا و بین صفا و مروه و نیز رمی جمرات برای برپایی نام خدا [در سطح جامعه] وضع شده است.

همچنین امام صادق علیه السلام فرمود:

لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۷۱)
تا وقتی کعبه برپاست، دین هم برپاست.

از همه گویاتر، فرمایش امام رضا علیه السلام است که می فرماید:

أَنَّ عِلَّةَ الْحَجِّ الْوَفَادَةُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَطَلَبُ الزِّيَادَةِ وَالْخُرُوجُ مِنْ كُلِّ مَا افْتَرَفَ وَلِيَكُونَ تَائِبًا مِمَّا مَضَى مُسْتَأْنِفًا لِمَا يَسْتَقْبِلُ وَمَا فِيهِ مِنْ اسْتِخْرَاجِ الْأَمْوَالِ وَتَعَبِ الْأَبْدَانِ وَحَظَرِهَا عَنِ الشَّهَوَاتِ وَاللَّذَاتِ وَالتَّقَرُّبِ فِي الْعِبَادَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْخُضُوعِ وَالِاسْتِكَاتَةِ وَالذُّلِّ شَاخِصًا فِي الْحَزَرِ الْبَرِّ وَالْأَمْنِ وَالْخَوْفِ دَائِبًا فِي ذَلِكَ دَائِمًا... وَ الرَّغْبَةِ وَالرَّهْبَةِ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى... (شیخ صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۴۰۴)

علت حج ورود به [آستان مقدس] خدای متعال و طلب افزایش و بیرون آمدن از گناهان است و برای آنکه از گذشته توبه کند و عمل از سرگیرد. و نیز در حج، خرج کردن ثروت ها و رنج و خستگی و باز داشتن بدن ها از خواسته ها و لذایذ و در عبادت، به خدا نزدیک شدن و فروتنی و کرنش و مذلت [در پیشگاه حق] و بیرون آمدن در گرما و سرما و ایمنی و ترس است، به صورت حرکتی پیوسته... و شوق و کشش و بیم به سوی پروردگار سبحان است.

۲. زمینه سازی برای تقویت آموزه ها و ارزش های اجتماعی اسلام در جامعه

در تعریف فرهنگ بیان شد که بخشی از فرهنگ هر جامعه ای به آموزه ها و ارزش های آن جامعه مربوط می شود و ادیان نقش مهمی در رشد و گسترش آنها در هر جامعه ای ایفا می کنند.

دین موجب گسترش ارزش های اخلاقی و مانع از شیوع و گسترش بزهکاری ها در جامعه می شود. عدالت را در جامعه نشر می دهد، انسجام و همبستگی اجتماعی را تقویت می کند، اختلافات میان افراد جامعه را کاهش می دهد، مردم را به مبارزه با حاکمان جور فرا می خواند، آزادی آنان را از یوغ استعمار به ارمغان می آورد، جامعه انسانی را هدفمند و معنادار می کند و از این طریق موجب افزایش نشاط و پویایی جامعه می شود. (قدردان قراملکی، ۱۳۸۲ش، ص ۱۷۸-۱۶۲) بدین ترتیب امور یادشده، که بخش

مهمی از هر فرهنگ به شمار می آیند، به شدت تحت تأثیر دین و آموزه های دینی قرار دارند. از این رو تبلیغ و نشر آموزه ها و ارزش های دینی در جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است. قرآن کریم نیز به تبلیغ و نشر آموزه های دین دستور می دهد:

﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا

فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾. (توبه: ۱۲۲)

شایسته نیست مؤمنان همگی [به سوی میدان جهاد] کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان طایفه ای کوچ نمی کند تا در دین [و معارف و احکام اسلام] آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید [از مخالفت فرمان پروردگار] بترسند و خودداری کنند.

در اسلام راه های فراوانی برای این امر تعبیه شده است که زمینه ساز نشر و گسترش آموزه های دینی در جامعه اسلامی هستند. از جمله این راه ها می توان به حج اشاره کرد.

میقات حج

حج، ابزاری کارآمد و بستری مناسب برای نشر فرهنگ اصیل و پویای اسلام و آموزه های آن در پهنه جهان اسلام است. حج، که با اجتماع عظیم مسلمانان در ایامی خاص در سرزمین مقدس مکه انجام می گیرد، دربردارنده برخی از مهم ترین آموزه های اجتماعی اسلام همچون دوستی و برادری مسلمانان با یکدیگر (تولی)، براءت از شرک و دشمنان اسلام (تبری)، اتحاد و انسجام مسلمانان و کنار گذاشتن اختلافات، مساوات و برابری همه مسلمانان از هر شهر و منطقه و با هر نژاد و جنسیت و... است. بدین ترتیب حج بستری مهیا برای تقویت و گسترش این آموزه های مهم اسلامی در پهنه جامعه اسلامی است. امام صادق (علیه السلام) در بیان حکمت تشریع حج می فرماید: «...وَلِتُعَرَفَ أَثَارُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَتُعَرَفَ أَخْبَاؤُهُ وَيُذَكَّرُوا لَا يُنْسَى». (شیخ صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۴۰۶)

حج موقعیتی بسیار مناسب برای تبلیغ و نشر آموزه های اسلامی است و به همین دلیل اهل بیت (علیهم السلام) نیز از این فرصت استفاده می کردند. نمونه های بسیاری از

آگاهی بخشی های پیامبر ﷺ و امامان معصوم ﷺ در ایام حج در راستای گسترش و تبلیغ حقیقت دین اسلام و آموزش آموزه های اسلامی در تاریخ ذکر شده است. پیامبر ﷺ در آغاز رسالتش برای تبلیغ دین اسلام از مراسم حج استفاده کرد. همچنین در دوران های خفقان که خلفا و سلاطین جور اجازه نشر آموزه ها و احکام دین را به مسلمانان نمی دادند، افراد با استفاده از فرصت حج، مشکلات خود را حل می کردند و با تماس گرفتن با ائمه معصوم ﷺ و علمای بزرگ دین، پرده از چهره قوانین اسلام و سنت پیامبر ﷺ برمی داشتند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۸۰)

۳. اصلاح و تقویت ارتباط و تعامل اجتماعی مسلمانان با یکدیگر

عنصر ارتباط یکی از اصول مهم در شکل گیری، گسترش و نیز انتقال فرهنگ ها و تمدن هاست و در این راستا بررسی چگونگی این روابط و همچنین شناخت عوامل تأثیرگذار بر آن، همواره در مطالعات تطبیقی فرهنگ ها و تمدن ها راهگشا بوده است. (ناصح و کیانی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۵) فرایند ارتباط انسان ها با یکدیگر در قالب مفهوم «تعامل اجتماعی» تحقق می یابد.

اگر عملی از شخصی سرزند که با پاسخ از سوی فرد دیگر همراه باشد، اصطلاحاً به این عمل متقابل دوسویه «تعامل اجتماعی» یا «کنش متقابل اجتماعی» گفته می شود. در این صورت میان این دو شخص یک رابطه اجتماعی برقرار می شود. از نتایج مهم مثبت ارتباط و تعامل اجتماعی، می توان به ارتباط فرهنگ های مشترک در زمینه های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اشاره کرد. (ساروخانی، ۱۳۷۱، ص ۱۹-۲۱) بدین ترتیب تعامل اجتماعی از عوامل و بسترهای مهم تحول فرهنگی جوامع به حساب می آید و برای تحول فرهنگی لازم است به آن توجه شود.

یکی از ویژگی های حج آن است که بستر تعامل اجتماعی مسلمانان را فراهم می کند. در حج مسلمانان از سراسر جهان اجتماع می کنند و در تعامل با یکدیگر به سوی اهداف

بلند جهان اسلام حرکت می‌کنند. شهید مطهری رحمه الله معتقد است: هدف از واجب کردن اسلام این بوده است که مسلمانان به یکدیگر نزدیک تر شوند و در یک مکان ملاقات کنند تا پیوندشان محکم تر شود. (مطهری، ۱۳۹۱ش، ج ۲۵، ص ۴۷) مقام معظم رهبری نیز برقراری روابط اجتماعی در حج را امری مهم تلقی می‌کنند. در دیدگاه ایشان حج برای تقویت سرمایه اجتماعی جهان اسلام به شکلی فراگیر و پایدار نقش بسیار مهم و بی بدیلی دارد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳ش، ص ۲۳۲)

مسلمانان با یک هدف اصلی (انجام حج به عنوان یک عمل عبادی) در آن مکان مقدس گرد هم آمده‌اند. در آن اجتماع، نقاط مشترک بیشتر به چشم می‌آید و اختلافات و تفاوت‌ها چندان دیده نمی‌شوند. آنان در کنار هم نماز می‌خوانند، طواف می‌کنند، وقوف و اعمال منا را انجام می‌دهند. در آنجا اختلافات فرق و مذاهب یا اختلافات موجود میان ملت‌های گوناگون مطرح نیست. بلکه دوستی و صمیمیت و روابط نزدیک است که بیش از هر چیز به چشم می‌آید. بدین ترتیب حج با بهره‌گیری از ایدئولوژی مشترک و هنجارهای مشترک مسلمانان، ارتباطات اجتماعی آنان را تقویت و سرمایه اجتماعی عظیمی برای آنان فراهم می‌کند. (همان، ص ۲۳۸) بنابراین و با توجه به نقش تعامل اجتماعی در تحول فرهنگی جوامع، حج با گسترش تعامل اجتماعی مسلمانان، زمینه و بستر تحول فرهنگی جهان اسلام را فراهم می‌آورد و نقش مؤثری در آن ایفا می‌کند.

۴. اصلاح انحرافات فکری و عقیدتی در جامعه اسلامی و نزدیک کردن دیدگاه‌ها به یکدیگر

یکی از مؤلفه‌ها یا عناصر اصیل فرهنگ، عقاید و باورهاست. باورها تصوراتی هستند که به عنوان امور حقیقی پذیرفته شده‌اند. باورها می‌توانند از عقیده‌ای مشترک، که همگان آن را به عنوان امری مسلم تلقی می‌کنند، گرفته تا باورهای دقیقاً دینی را (که) اساس آن بر پذیرش مقام و اهمیت امری عینی استوار است) در بر گیرند. با این همه معمولاً باورها را از عقیده و تصورات جمعی متمایز می‌کنند و آن را نظامی از ارزش‌ها، که

آرمانی شناخته می‌شوند، معنا می‌کنند. (مصبح یزدی، ۱۳۸۰ش، ص ۱۰۵)

اما در جامعه‌شناسی به توافق‌ها درباره اینکه چه چیزی در جهان حقیقی، اصیل و درست است، «عقاید» گفته می‌شود. در ادیان آسمانی - از جمله اسلام، مسیحیت و یهودیت - عقیده به وجود خدای واحد مشترک است. (فولادی وندا، ۱۳۹۷ش، ص ۸۴) بدین ترتیب اسلام حاوی یک سری باورها و اعتقادات است که مسلمانان آنها را می‌پذیرند و به آنها ملتزم هستند.

با این حال در مواقعی برخی از افراد به باورهای نادرست در زمینه‌های گوناگون دینی معتقد می‌شوند و به تعبیری دچار انحراف فکری و عقیدتی می‌شوند. انحراف فکری در طول تاریخ آثار و پیامدهای بسیار وخیمی برای مسلمانان و جامعه اسلامی در پی داشته است. اختلاف و درگیری مسلمانان شیعه و سنی حاصل انحرافی است که در آغاز صدر اسلام در زمینه امامت و زعامت مسلمانان پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به وقوع پیوست. همچنین آنچه امروزه از فرقه وهابیت و نقش مخرب آن در جوامع اسلامی مشاهده می‌کنیم، همه برخاسته از انحراف فکری‌ای است که در جامعه اسلامی، به ویژه در زمینه توحید و شرک، ایجاد شده است.

خارج شدن از مسیر سعادت دنیوی و اخروی، گرفتار شدن مسلمانان در اختلاف و درگیری و نفرت، صرف انرژی جهان اسلام در موارد اختلافی مسلمانان و جلوگیری از پیشرفت مادی و معنوی آنان، از عواقب و پیامدهای مهم وقوع انحراف فکری و عقیدتی در جامعه اسلامی است. (Islamquest.net/fa/archive/fa23728) نتیجه این وضعیت، دور افتادن از مسیر تحول و پیشرفت فرهنگی و بلکه عقبگرد و پسرفت در این مسیر است. برای جلوگیری از این امر در دین اسلام مکانیزم‌هایی از سوی خدای متعال تعبیه شده است که یکی از آنها حج است.

حج به عنوان یک عامل مهم در رفع انحرافات عقیدتی و فکری می‌تواند در این زمینه

نقش بارزی ایفا کند. امام رضا علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

أَنَّ عِلَّةَ الْحَجِّ الْوَفَادَةُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى... وَمَا فِي ذَلِكَ لِجَمِيعِ الْخَلْقِ مِنَ الْمَنَافِعِ... وَمَنْعَةُ
مَنْ فِي الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ... يَمْنُ يَحْجُّ وَيَمْنُ لَا يَحْجُّ... ذَلِكَ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ. (شیخ
صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۴۰۴)

علّت [تشریع] حج، ورود به [آستان قدس] خدای متعال... و نیز به خاطر منافعی
است که برای همه مردم دارد... و سود بردن هر که در شرق و غرب... است از
کسانی که حج می‌گذارند و حج نمی‌گذارند... تا شاهد منافع خویش باشند.

یکی از پیامدهای انحراف فکری گروهی از مردم، حق دانستن خود و باطل دانستن
دیگران است که موجب بیگانگی و خصومت مسلمانان با یکدیگر می‌شود. حج محل
اجتماع مسلمانان از همه فرقه‌ها و مذاهب و با همه دیدگاه‌ها و اعتقادات دینی است.
در این اجتماع عظیم زائران می‌توانند با مشاهده عمل دیگران و نیز گفت‌وگو با آنان به
درستی یا نادرستی دیدگاه خود و دیگران آگاه شوند.

مقایسه حج

حج محل حضور علمای مذاهب اسلامی نیز هست. حج این امکان را فراهم ساخته
است که اندیشمندان مسلمان درباره دیدگاه‌های گوناگون موجود در میان مذاهب
اسلامی به گفت‌وگو بنشینند و سره را از ناسره بازشناسند و بدین صورت از اختلافات
فکری و عقیدتی میان مسلمانان بکاهند و برانس و الفت آنان بیفزایند. البته تحقق این
امر نیازمند پیش‌زمینه‌هایی است که به نبودن آنها در حج، این امر تا امروز نمود چندانی
نداشته است.

۵. پیشگیری از کجروی‌ها

از مفاهیم مهم اجتماعی، که ارتباط بالایی با آسیب‌شناسی اجتماعی دارد،
«کجروی اجتماعی» است. «کجروی اجتماعی»، در واقع تخطی از نظم اخلاقی خاصی
است که به صورت مختلف - از قبیل فحشا، استعمال یا پخش مواد مخدر، قماربازی،

فحش و ناسزاگویی و رفتارهای غیرقانونی دیگر - ظهور و بروز می یابد و به دلیل ماهیت غیر قابل قبول در جامعه، ناپسند شمرده می شوند. کجروی عامل اختلال در نظم اجتماعی و ایجاد مشکلات برای جامعه است (اژه ای، ۱۳۹۸، ش، ص ۱۳) و بدین ترتیب تحول فرهنگی صعودی و تکاملی جامعه را با مشکل مواجه می سازد.

در اینجا مفهوم دیگری به نام «جامعه پذیری» (socialization) مطرح است که لازم است به آن بپردازیم: جامعه ناگزیر است افراد جدید را پیوسته با خود همساز ساخته و برای زندگی جمعی آماده کند، وضعیتی که همنا شدن افراد با ارزش ها و هنجارهای اجتماعی و دور شدن از کجروی اجتماعی نتیجه آن است. اما از سوی دیگر تحقق این همناویی در پرتو ملتزم بودن افراد به الگوها و هنجارهای رفتاری ای ممکن می شود که عمدتاً در قالب دو عنصر «یادگیری» الگوها و هنجارها و «درونی کردن» آموخته ها تحقق می یابد. این دو عنصر به عنوان مکانیزم های تحقق «جامعه پذیری»، سبب می شوند افراد «به شکلی ناخودآگاه و بدون تعمق» با هنجارهای اجتماع خود «همناویی» کنند. با وجود این در اجتماع های انسانی همواره زمینه «ناهمناویی» به اندازه «همناویی» با هنجارها و ارزش ها وجود دارد، به گونه ای که دو مفهوم «همناویی» و «کجروی» عمدتاً در کنار هم مطرح می شوند و غالباً در جمع با یکدیگر معنا می یابند. (اژه ای، ۱۳۹۸، ص ۳۶)

بدین ترتیب، جامعه اسلامی مانند هر جامعه دیگری باید از طریق به کارگیری مکانیزم ها و ابزارهایی با کجروی و رفتارهای خلاف قانون و اخلاق مقابله کند و بدین طریق زمینه تحول فرهنگی جامعه را آماده سازد و حج یکی از این ابزارهاست. حج در جامعه اسلامی عاملی است که به ویژه در تقویت انگیزه افراد برای همناویی با ارزش های اسلامی و در نتیجه درونی کردن آنها و اجتناب از کجروی نقش مؤثری ایفا می کند. امام رضا (ع) در بیان علت تشریع حج چنین می فرمایند:

أَنَّ عِلَّةَ الْحَجِّ الْوَفَادَةُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى... وَلِيَكُونَ تَائِباً مِمَّا مَضَى مُسْتَأْنِفاً لِمَا يَسْتَقْبِلُ وَ

مَا فِيهِ مِنْ... وَحَظَرِهَا عَنِ الشَّهَوَاتِ وَاللَّذَاتِ... وَحَظَرُ الْأَنْفُسِ عَنِ الْفَسَادِ. (شیخ صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۴۰۴).

همانا علت تشریع حج ورود به آستان [رحمت] خداوند متعال... و نیز توبه از گذشته و از سرگیری اعمال نسبت به آینده است. همچنین به خاطر فواید آن... [از جمله] جلوگیری از رفتن به سوی شهوات و لذات... و ممانعت نفس از [روی آوردن به] فساد است.

حج عبادتی سراسر نور و معنویت، کنار زدن حجاب های مادی و امیال نفسانی، ارتباط نزدیک با خداوند متعال و بهره مندی از لذت عبادت و راز و نیاز با خداوند بزرگ است. چنین فضایی هرگناه و ناخالصی را در وجود انسان ها برطرف می کند، لذت های شهوانی و گناه آلود را در برابر آنان پست و حقیر می سازد و در نهایت، عزم آنان را برای اجتناب از جرائم و خلاف کاری ها و کجروی ها مضاعف می کند و بدین ترتیب دوری از گناه و کجروی در وجود آنان درونی سازی می شود. حاصل این امر فراهم آمدن یکی از بسترها و زمینه های مهم تحول فرهنگی جهان اسلام، یعنی پیشگیری از کجروی ها و جرائم، در جامعه اسلامی است.

۶. تقویت خودباوری فرهنگی

خودباوری فرهنگی نوع نگرشی است که فرد نسبت به فرهنگ جامعه خویش دارد. این نوع نگرش اگر مثبت باشد، از آن به «خودباوری فرهنگی» یاد می شود. اما اگر منفی باشد، آن را «ناخودباوری فرهنگی» یا «خودباختگی فرهنگی» می نامند. میان این دو حد نهایی، درجات متفاوتی از خودباوری و خودباختگی وجود دارد.

خودباوری یک مفهوم انتزاعی و سازه ذهنی است، نه یک مفهوم عینی و قابل مشاهده. بنابراین شاخص های خودباوری و خودباختگی را باید در جهان خارج مشاهده کرد، نه در خود آنها. خودباوری یا خودباختگی به عنوان یک نگرش، اثرهای عمیق و گسترده ای در سطح فردی و اجتماعی دارد و رفتارهای فردی و جمعی را جهت

می دهد. (فولادی وندا، ۱۳۹۷ش، ص ۱۳۷)

آشکار است که خودباوری مسلمانان نسبت به فرهنگ اسلامی شان عاملی بسیار مهم در حفظ فرهنگشان است و این امر به حفظ و تقویت نگرش های افراد نسبت به فرهنگ اسلامی شان بستگی تام و تمام دارد. زمانی که نگرش های افراد نسبت به فرهنگ خودی تغییر یابد و افراد دچار خودباختگی فرهنگی شوند، جلوه های آن در سطح اجتماعی - در کنش ها، روابط، قوانین، نهادها و... بروز می یابد. نگرش های جدید نیز به نوبه خود موجب تقویت ساختار جدید می شوند. (همان، ص ۱۳۹)

امروزه با گسترش ابزارهای تبلیغی و ارتباطی، تلاش های بسیاری برای تغییر و تخریب فرهنگ های ملت های گوناگون جهان انجام می شود. همه همت سردمداران کفر و استکبار بر تهی کردن ملل گوناگون جهان از فرهنگ های خودی و گستراندن فرهنگ منحط غربی است. آنان امروزه (در عصر ارتباطات) جهان را دهکده ای در نظر می گیرند که می توانند سخن خود را با تبلیغات به ساکنان آن القا کنند و بقبولانند. بدین ترتیب امت اسلامی در راه حفظ و تقویت فرهنگ غنی اسلامی مسئولیت سنگینی بر عهده دارد و لازمه آن برخورداری مسلمانان از خودباوری فرهنگی است. ملت های مسلمان تنها در صورتی خواهند توانست در این برخورد فرهنگ ها و تمدن ها در دنیای کنونی از فرهنگ و تمدن خود محافظت کنند و آن را تکامل بخشند که از خودباوری فرهنگی برخوردار باشند.

مناسک حج می تواند در این زمینه نقش مؤثری ایفا کند. اجتماع عظیم مسلمانان از سراسر جهان در سرزمین وحی، خودباوری و اعتماد به نفس آنان را تقویت می کند. آنان آشکارا درمی یابند که نه یک گروه خرد و ناچیز، بلکه جمعی عظیم در سراسر جهان با عقاید و آداب و رسوم مختص به خود هستند و در این زمینه نه تنها چیزی از دیگر فرهنگ ها و ملت های دنیا کم ندارند، بلکه از اکثر آنان بالاتر و غنی تر هستند.

تأثیر حج بر خودباوری فرهنگی مسلمانان را در دو سطح عمومی و اختصاصی می‌توان توضیح داد:

الف) سطح عمومی: مسلمانان با مشاهده میلیون‌ها نفر که به انجام فرایض دینی خود مشغول‌اند و با شوق و رغبت تمام و ایمان کامل در حال عمل حج هستند، به طور طبیعی میل و رغبت آنان به فرهنگ اسلامی و خودباوری فرهنگی آنان تقویت می‌شود. آشکار است که این گرایش و خودباوری فرهنگی از حضور در آن اجتماع بزرگ و مشاهده عمل میلیون‌ها مسلمان که عصاره و برگزیده مسلمانان جهان هستند، ایجاد می‌شود.

ب) سطح اختصاصی: مشاهده می‌کنیم که بخش قابل توجهی از زائران خانه خدا انسان‌هایی اهل فکر و اندیشه هستند، از ظاهر اعمال حج به باطن و اسرار آن منتقل می‌شوند و غنا و عظمت آموزه‌های اسلامی و به تبع آن فرهنگ اسلامی را با وجود خود درک می‌کنند. این افراد با دقت و تأمل در مناسک حج این نکته را درک می‌کنند که فرهنگ اسلامی با برخورداری از آموزه‌ها و دستورات الهی و حیاتبخش، فرهنگی غنی، ارزشمند و تأثیرگذار در سعادت انسان‌هاست. نتیجه این امر احساس خودباوری فرهنگی مسلمانان است و می‌توان ادعا کرد که حج بستروزمینه تحول و ارتقای فرهنگی جامعه اسلامی را با القای خودباوری فرهنگی و تقویت آن در مسلمانان جهان فراهم می‌آورد.

۷. تقویت اعتماد اجتماعی

مفهوم اعتماد اجتماعی در دیدگاه صاحب نظران جامعه‌شناسی جایگاه ویژه‌ای دارد. در هیافت جامعه‌شناسی، اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. (کلمن، ۱۳۷۷ش، ص ۴۵۶) از دیدگاه جامعه‌شناسان کارکردگرا وقتی اعتماد و بی‌اعتمادی در نظام هنجاری و فرهنگی جای می‌گیرد، هر کدام کارکردها و کارکردهای مربوط به خود را پیدا می‌کنند. (زئومکا، ۱۳۸۴ش، ص ۱۲۹) در جامعه‌ای که افراد آن به یکدیگر اعتماد دارند، دوستی و همکاری و روابط صمیمانه

حاکم خواهد بود. در مقابل، در جامعه فاقد اعتماد اجتماعی، دلبستگی فرد به عناصر جامعه کاهش می‌یابد و در چنین مواقعی افراد حفظ منافع خود و گروه خود را بر مصالح عمومی و ملی ترجیح خواهند داد. (بی‌دل و محمودزاده، ۱۳۹۱ش)

اعتماد اجتماعی برای توسعه حس تعلق جمعی به عنوان مهم‌ترین مؤلفه انسجام اجتماعی امری ضروری است؛ (اکلاک، ۲۰۰۷م، ص ۲۴ و ۴۵) چراکه زمینه تعلق و وابستگی بیشتر افراد و تلاش برای توسعه جامعه را فراهم می‌کند. به این ترتیب اعتماد اجتماعی سبب اتصال افراد و تقویت روابط جمعی می‌شود. (بی‌دل و دیگران، ۱۳۹۳ش) با این توضیحات نقش اعتماد اجتماعی در تحول فرهنگی جامعه آشکار می‌شود.

تحول فرهنگی مستلزم ارتباط اجتماعی افراد در جامعه است و بدون اعتماد اجتماعی، ارتباط اجتماعی و به دنبال آن تحول فرهنگی جامعه دچار اختلال می‌شود. (تاجبخش، ۱۳۸۴ش، ص ۵۸) بدین ترتیب برای دستیابی به تحول فرهنگی لازم است اعتماد اجتماعی در جامعه هرچه بیشتر گسترش یابد. رونالد اینگلهارت (Ronald Inglehart) با استفاده از یافته‌های پیمایش‌های جهانی، این نظریه را مطرح می‌کند که در تعیین اعتماد در جامعه، دین بیش از توسعه اقتصادی نقش دارد. (کاظمی‌پور، ۱۳۸۱ش، ص ۲۴)

از جمله آداب و اعمال دینی که نقش مهمی در ایجاد اعتماد اجتماعی در جامعه دارد، حج است. اعتماد حاصل آمده از حج، دستاوردی بسیار عظیم در روابط مسلمانان با یکدیگر است که می‌تواند آثار و نتایج فراوانی برای جامعه اسلامی به طور کلی به دنبال داشته باشد. زائران خانه خدا از همه اقطار و اکناف جهان در سرزمین وحی اجتماع می‌کنند و در کنار هم و به همراه هم به انجام مناسک حج می‌پردازند. حضور انبوه مسلمانان در میقات، مسجد الحرام، عرفات، مشعر و منا و بقیه اماکن حج، برخورد آنان با یکدیگر و گفت‌وگوی آنان درباره مسائل مهم هر منطقه و سرزمین اسلامی، عواطف آنان

را نسبت به یکدیگر برمی‌انگیزد، تعلق عاطفی آنان را نسبت به یکدیگر افزایش می‌دهد، سوء تفاهم‌ها نسبت به هم را از بین می‌برد و اعتماد آنان را به هم جلب می‌کند و بدین ترتیب بستر لازم برای تحول فرهنگی جهان اسلام فراهم می‌شود.

نتیجه‌گیری

از این نوشتار می‌توان چنین نتیجه گرفت:

۱. تحول فرهنگی هر جامعه‌ای نیازمند عامل بسترسازی است که زمینه آن را فراهم کند. بدون وجود این عامل، تحقق بسیاری از مؤلفه‌های تحول فرهنگی در جامعه با مشکل مواجه می‌شود و حج در جامعه اسلامی می‌تواند نقش این عامل بسترساز را به خوبی ایفا کند.

۲. نقش حج به عنوان عامل بسترساز تحول فرهنگی جامعه اسلامی بسیار گسترده و حائز اهمیت است. حج با ایفای نقش در تقویت بعد معنوی و دینی، تقویت عمل به آموزه‌های دینی، اصلاح تعامل اجتماعی مسلمانان، اصلاح انحرافات فکری و عقیدتی، پیشگیری از کجروی‌ها، تقویت خودباوری فرهنگی و تقویت اعتماد اجتماعی، زمینه تحول فرهنگی جوامع اسلامی را فراهم می‌کند.

۳. به دلیل اهمیت فوق‌العاده تحول فرهنگی جامعه اسلامی، لازم است به حج به عنوان عاملی مهم در این امر بسیار توجه کرد. پدیده‌ای با این اهمیت و این جایگاه را نباید به هیچ وجه دست کم گرفت. بهره‌گیری از این عامل نقش مهمی در حرکت به سوی ارتقای فرهنگی جوامع اسلامی دارد. در مقابل بی‌اعتنایی به نقش حج در زمینه تحول فرهنگی، غفلت از یک عامل مهم در این زمینه است که عقب ماندن جوامع اسلامی در تحول فرهنگی از سایر جوامع بشری را در پی دارد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۳۲. اژه‌ای، جواد (۱۳۹۸ش)، آسیب‌شناسی اجتماعی با نگاهی به ادیان، تهران، سمت، چاپ چهارم.
۳۳. ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث، (۱۴۲۰ق)، سنن أبی داود، قاهره، دارالحديث، چاپ اول.
۳۴. بیاری، علی اکبر، (اردیبهشت ۱۳۹۷ش)، «بررسی مختصات فرهنگی جهان اجتماعی دفاع مقدس»، مجله معرفت، شماره دوم (پیاپی ۲۴۵)، ص ۶۳-۷۶.
۳۵. بی‌دل، پری‌ناز و محمودزاده، علی اکبر، (۱۳۹۱ش)، «بررسی میزان تعلق اجتماعی مردم به جامعه ایران و رابطه آن با اعتماد اجتماعی و فردگرایی افراطی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال ۵، شماره ۲، ص ۳۱-۶۳.
۳۶. بی‌دل، پری‌ناز و محمودزاده، علی اکبر و صادقی، احمد، (۱۳۹۳ش)، «رابطه بین اعتماد اجتماعی و فردگرایی افراطی در شهر مشهد»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۱۴، شماره ۵۵، ص ۱۶۷-۱۹۹.
۳۷. تاجبخش، کیان، (۱۳۸۴ش)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران، نشر شیرازه.
۳۸. جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۳ش)، حج در اندیشه سیاسی - اجتماعی مقام معظم رهبری، تهران، مشعر، چاپ اول.
۳۹. دفتر تألیف کتاب‌های درسی، (۱۴۰۰ش)، جامعه‌شناسی (سال دهم متوسطه)، تهران، شرکت افست.
۴۰. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷ش)، لغتنامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴۱. زتومکا، پیوتر، (۱۳۸۴ش)، اعتماد، یک نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه فاطمه گلابی، تبریز، ناشر مترجم، چاپ اول.
۴۲. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۱ش)، جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران، انتشارات اطلاعات.
۴۳. سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد (یونسکو)، (۱۳۷۹ش)، راهبردهای عملی توسعه فرهنگی، ترجمه محمد فاضلی، مؤسسه فرهنگی - انتشاراتی تبیان.

۴۴. شیخ صدوق، محمد بن علی، (۱۳۸۵ق/۱۹۶۶م)، *علل الشرائع*، قم، کتابفروشی داوری، چاپ اول.
۴۵. علی احمدی، علیرضا و دیگران، (۱۳۸۳ش)، *شناخت فرهنگ، فرهنگ سازمانی و مدیریت بر آن*، تهران، انتشارات تولید دانش.
۴۶. عیوضی، محمدرحیم، (زمستان ۱۳۷۹ش)، «تبادل فرهنگی؛ پیش نیازها و کارکردها»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال دوم، شماره ۶، ص ۱۰۳-۱۲۳.
۴۷. فولادی وندا، محمد، (۱۳۹۷ش)، *درآمدی بر جامعه شناسی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ سوم.
۴۸. کاظمی پور، عبدالمحمد، (۱۳۸۱ش)، «*سرمایه اجتماعی در ایران*»، تهران، انتشارات طرح های ملی، چاپ اول.
۴۹. کلمن، جیمز، (۱۳۷۷ش)، *بنیاد نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشرنی.
۵۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الاصول من الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم.
۵۱. گلابی، سیاوش، (۱۳۷۸ش)، *اصول و مبانی جامعه شناسی*، تهران، نشرمیترا.
۵۲. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۷ش)، *جامعه شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشرنی.
۵۳. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۰ش)، *تهاجم فرهنگی*، گردآوری: عبدالجواد ابراهیمی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۵۴. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۱ش)، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، تهران، صدرا.
۵۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۵۶. میرزامحمدی، محمدحسن، (۱۴۰۰ش)، *فرهنگ عمومی*، تهران، دانشگاه جامع علمی کاربردی و مرکز نشر دانشگاهی، چاپ چهارم.
۵۷. ناروئی نصرتی، رحیم، (۱۳۹۰ش)، «*دین و معنویت: نگاهی دینی - روان شناختی*، در مبانی نظری مقیاس های دینی»، به کوشش محمدرضا سالاری فرو دیگران، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، دفتر طرح های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم.
۵۸. ناصح، محمدامین و کیانی، محمدرضا، (تابستان ۱۳۸۳ش)، «*تعامل فرهنگی ایران باستان و اسلام*»، نشریه ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه بیرجند)، شماره ۴، ص ۱۷۵-۱۹۰.

۵۹. نوذری، محمود، (۱۳۹۶ش)، روان‌شناسی تحول دینداری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.

60. 29. Islamquest.net/fa/archive/fa23728

61. 30. ECLAC. 2007, Social cohesion: inclusion and a sense of belonging in the United Nations. Santiago, Chile: Santiago.